

فیلم سینمایی «سازمان آگاهی» با گویندگان۱۹ نفر از گویندگان گفتار فیلم در واحد دوبلاژ اداره کل تأمین و رسانه بین الملل سیما دوبله شد.
این سینمایی در گونه معمایی، علمی – تخیلی و هیجانی محصول اسپانیا در سال ۲۰۲۳ قرار است از شبکه تهران پخش شود.
مدیر دوبله این سینمایی سعید شیخ زاده و صدابرداری آن به عهده علی شریفی بوده است.
این فیلم درباره ایان، پسر جوان ابر انسانی است که قدرت کنترل ذهن دیگران را دارد (این قدرت محصول

تماشای «سازمان آگاهی» در شبکه تهران

عملیاتی آزمایشگاهی در جنگ جهانی دوم است) او همراه مردی به نام ویسنته که او را پدر خودش می داند در قایقی زندگی می کند. دوگروه به دنبال او هستند یک: گروهی دولتی به سرپرستی دکتر آدریانا و دیگری مردی به نام قاطر که او و ایان تنها بازماندگان این ابرانسان ها هستند. هر کدام اینها به دنبال به دست آوردن فرمول خون ایان، برای رسیدن به قدرت هستند. قاطر کشته می شود و آدریانا فکر می کند اعتماد ایان را به دست آورده اما ایان واقعیت را در مورد او می فهمد.

نگاهی به «سرزمین مادری» در پایان سری دوم مجموعه

پیداری به سبک سرزمین مادری

سریال سرزمین مادری با نقل بی پرده تاریخ معاصر به بررسی وقایع سیاسی ایران از سال۱۳۳۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی در بستر زندگی پسر ی نوجوان بانام «رهی» می پردازد که به عنوان یکی از آثار خوش ساخت تلویزیون مورد استقلال طیف گسترده‌ای از مخاطبان قرار گرفته است و البته واکنش‌هایی را نیز به عنوان موافق و مخالف در پی داشته است. موافقت ها و مخالفت هایی که باید آن را به فال نیک گرفت و نشانه ای از تاثیرگذاری این سریال دانست. این سریال علاوه بر برانگیختن این واکنش ها، سوالات دیگری را هم فرآوری ذهن نقاد و اندیشه‌ورزانی قرار داده است که می خواهند بدانند چرا چنین اثر خوش ساخت و تاثیرگذاری برای یک دهه در آرشیه‌های تلویزیون کارتز خوابی را تجربه کرده است و جدای از حاشیه‌هایی که در زمان پخش اولیه دامان این سریال را گرفت، اساسا چرا آثار نمایشی از جنس سرزمین مادری برای طیف وسیعی از مخاطبان از افراد عادی و معمولی جامعه گرفته تا اندیشمندان و نخبگان، جذاب و مورد توجه بوده است؟ چه اسباب و عواملی زمینه‌ دورانی را فراهم آورده‌اند که زندگی شخصی به نام «رهی» را که نمادی از حیات و تکاپوی یک جامعه برای زندگی عزتمندانه است، چنین دستخوش طوفان و سختی و مشقت‌هایی کرده است که می توانست در یک بستر آرام باعث رشد و شکوفایی ره ی و تاثیرگذاری بیشتر او در جامعه و تلاش برای اعتلای سرزمین مادری اش باشد.
آیا اسباب و عواملی که باعث دیگری جامعه ایرانی با چنین مسائلنی شده است، در همان مقطع تاریخی مطرح بوده و فضای زیست مخرب آن از بین رفته است، یا نه، همچنان با بازتولید در لایه‌های پنهان جامعه ایرانی، خود را به اشکال مختلف دیگری نشان می دهند؟

روایتی برای بیدار شدن

این سوالات و سوالات مشابه دیگر نشان از آن دارد که داستان وقصه سریال سرزمین مادری، آیشخوری قدیمی و البته تعطیل ناشدنی دارد که اکنون نیز می تواند در این جامعه زنده و فعال باشد. اما اگر تماشای این سریال صرفا برای فیلم دیدن باشد و پای آن خواب مان ببرد، در آینده باید بارها و بارها، ساخت چنین سریال هایی را تکرار کنیم. برای وا کوی بیشتر این نکات و پرداختن به این سوالات به دنبال آن هستیم تا نگاهی به نقش و تاثیرگذاری استعمار و استکبار در زمینه سازی و شکل گیری چنین بسترهایی داشته باشیم که نسخه نمایشی آن نیم قرن از جگونگی زیست جامعه ایرانی را روایت می کنند. اقداماتی که در سده اخیر از سوی قدرت های استعماری مانند پرتغال، فرانسه و انگلیس کلید خورده و در حال حاضر با سرمداری آمریکا و کشورهای اروپایی به دنبال بازتولید عملی است که موجب تأمین منافع استعماری و استکباری آن جوامع شده و جامعه معاصر ایرانی را تحت تأثیر آثار پیدا و پنهان این اقدامات خسارت بار و شکننده قرار می دهد.

مجبور به تکرار

شاید اگر در فرصتی که این سریال پخش می شود و مورد توجه مخاطبان متنوع قرار گرفته است، به ریشه های ضرورت حفظ و دفاع از سرزمین مادری نپردازیم، با پایان پخش آن این فرصت طلایی از دست برود و باز روزا از نو و روزی از نو، شاهد لختی و بی حسی جامعه واضعای آن در برابر حرکت خرنده‌ای باشیم که در قالب تهاجم چند جانبه در جنگ ترکیبی و با استفاده از پوشش نفوذ، قصد تسخیر و تضعیف و بهره‌کشی از سرزمین مادری مان را داشته باشد. با کامل تاسف باید گفت با همه زخم‌هایی که از رهگذر بی توجهی به تاریخ گذشته خورده ایم، هنوز هم در دوره‌ای به سمری پریم که به هر دلیل، اندیشه و فضایی منسجم برای پرداختن به گذشته غنی و سراسر افتخار ایران زمین وجود ندارد و این موضوع مهم که «ملتی که تاریخ نداند، مجبور به تکرار آن خواهد بود» همچنان مغفول مانده است؛ در حالی که شاهد هستیم سایر کشورهای منطقه به کوچک ترین حوادث تاریخی خود توجه نشان می دهند و گاه حتی تاریخی را که خاستگاه آن کشوری دیگر است، به نام خود مصادره و آن را بیش از اندازه بزرگ می کنند تا برای نسل جدید خود هویت سازی کنند. موضوعی که نمونه‌های ایرانی آن کم نیست و این کشورها تا جایی پیش می روند که شخصیت های بزرگ ایرانی را از ماجدا و به تاریخ نداشته خود سنجاق و وصله نمایند.

وقتی صهیونیسم در ایران رسماً اعلام حضور می کند

«جنگ ترکیبی دشمن» در شرایط فعلی کشور، نمادی از اراده استعمار است که قرن هاست برای به زانو درآوردن هر ملتی که بخواهد مستقل زندگی کند، به کار گرفته می شود. در این میان وا کای نمونه هایی از نفوذ استعمار و استکبار جهانی که بیشتر در قامت انگلیس، آمریکا و البته صهیونیسم جهانی و با اعزام میسیونرهای مذهبی رخ نموده، می تواند در بازنمایی و بازگویی سابقه تاریخی این تشکل ها برای هجمه به یک ملت و کشوری که قصد داشته است، مستقل و آزاد زندگی کند، موثر و در معرفی این ریشه های تاریخی مخرب و در عین حال تاثیرگذار در تاریخ معاصر، روشنگر و تأمل برانگیز باشد. اگر بپذیر نحه ورود و نفوذ جریان ها یا تشکیلاتی باشیم که به دنبال پیاده کردن نقشه های استعماری خود در ایران بوده اند، شاید این سخنان آقای قاسم تبریزی، پژوهشگر تاریخ معاصر، بتواند روشنگر شکل گیری و رشد جریان تاریخ صهیونیسم در ایران باشد. او معتقد است: جریان های مختلف، مثل جریان صهیونیسم، جریان بهائیت و فراماسونری که در حقیقت تکمیل کننده یکدیگر است، به نوعی حساب شده و با برنامه جلو آمده اند که از همان ابتدا یک مدیریت از بیرون و وحدت رویه از درون پیش رفته اند. با تاملی در سوابق تاریخی می توان دید که فراماسونری به صورت مودی از دوره فتحعلی شاه شروع و از زمان ناصرالدین شاه به صورت تشکل درآمد، اما بعد سازمانی پیدا کرد و تشکیلاتی مانند: فراموشخانه، جامعه آدمیت (انجمن های شبه فراماسونری) از بیداری و



سازمان آگاهی، اثری حادثه‌ای و علمی–تخیلی در مورد انسان هایی است که قدرت کنترل ذهن دیگران را پیدا می کنند اما در نهایت موضوع اصلی جنگ بر سر قدرت است. واحد جست وجوی اداره کل تأمین و رسانه بین الملل، مسئولیت رصد این اثر را به عهده داشته و پس از طی مراحل تأیید و تخصیص، نسخه اصلی را تهیه و تأمین کرده و اکنون پس از طی روندهای ترجمه، ویراستاری و سپس دوبله، قرار است پس از آماده سازی از شبکه تهران برای مخاطبان پخش شود.

لژ روشنایی و... شکل گرفتند که تا دوره محمدرضا پهلوی به ۵۴ لژ قوی رسید و هرکدام از این جریانات برای خودشان دارای ارکان فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... بودند.

تقاضای آب وزمین و... برای خیانت بیشتر

بنابه سوابق مکتوب تاریخی، تشکیلات صهیونیسم حدود ۱۲۰ سال قبل برنامه ریزی شد و فعالیت آنها از مشروطه تا دوره رضاخان به صورت مخفی جریان داشت. جالب است که بدانیم صهیونیسم از دوره رضاخان به صورت حزب درآمد. به گونه‌ای که کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ که اتفاق افتاد، صهیونیسم در زمانی حدود یک ماه بعد از کودتا و در فروردین ۱۳۰۰ اعلام موجودیت کرد. بنابه اسناد موجود و به گواهی روزنمار تاریخ معاصر ایران [تشکیلات صهیونیست ایران] «در روز شنبه ۶ فروردین ۱۳۰۰ مصادف با ۲۱ مارس ۱۹۲۱ با ارسال نظامنامه تشکیلات، به وزارت خارجه، موجودیت خود را اعلام و تقاضا کرد از تشکیل مجامع و شعب این تشکیلات در ایالات و ولایات جلوگیری نشود بلکه از سوی دولت و مامورین دولتی از آنها حمایت شود.[این تشکیلات در ماه بعد بیانیه‌ای خطاب به امور داخله صادر و اعلام می کند ما شعبات خودمان را در سراسر ولایات راه اندازی کرده ایم. در سال ۱۳۲۰ شخصی ایرانی به نام ربیع که به ملیت فرانسه درآمده بود، مرکز فعالیتش را در فرانسه قرار داد و طرحی ۴۰۵ صفحه‌ای ارائه کرد که در اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. او می نویسد که ما می خواهیم

در ایران مجتمعه های صهیونیستی راه اندازی کنیم و تقاضای آب، زمین، و دیگر امکانات در اختیارشان قرار گیرد و در آن دوره توانستند با همین امکانات مدارس در سراسر ایران راه اندازی کنند.

روزی که ملت شیدم

تامل در تاریخ معاصر نشانگر این موضوع است که قبل از این جریانات توطئه و نفوذ، اقلیت های دینی و مذهبی ایران به عنوان بخشی از ملیت ایرانی زندگی معمول خود را دارند و اتفاقا خودشان را بخشی از این پیکره تاریخی می دانند، اما بعد از مدتی با شکل گیری جریاناتی مانند باییت، بهائیت و صهیونیسم وابستگی هایی به خارج آغاز می شود و اتفاقات دیگری شکل می گیرد و به دلیل وابستگی اقلیت های دینی و مذهبی کشور به استعمار، آسیب های جدی و دامنه داری متوجه کشور می شود. دلیل این رخداد هم این است که اقلیت ها تا زمانی که فعالیت های اقتصادی و مالی و حتی اجتماعی و فرهنگی خودشان راایی می گیرند و مثلاً عقیده جمع کرده یا ثروت اندوزی می کنند، ضرر آنچنانی برای مملکت ندارند، اما وقتی که صهیونیسم تشکیل می شود، مدیریت یهودیت کشور زیر نظر صهیونیست ها قرار می گیرد، به گونه‌ای که نقل شده است در دوران محمدرضا پهلوی، زمانی که اختلافی بین کیسیه یهودیان شیراز به وجود آمد، افرادی از اسرائیل برای حل این اختلافات به شیراز می آمدند و انجمن یهودیان حتی قبل از این که این رژیم تاسیس شود، زیر نظر صهیونیسم بود.

درنگ

فته در هر چیز

حضور میسیونرهای مسیحی انگلیس، ایتالیایی، فرانسه، آمریکا و... مقطعی مهم برای بروز و ظهور برخی اتفاقات مهم تاریخی در ایران است که تامل در آن می تواند ما را با ریشه ها و عمق برنامه ریزی و نفوذ استکبار و استعمار آشنا کند. زیرا با برنامه ریزی و حسابرگری ای که در این زمینه به عمل آمد و این افراد با دستمایه قراردادن دین و ارزش های معنوی وارد این کشور شدند، اما مسیحیت در کشور استقلال خودشان را از دست داد و وابسته شد. نقل است که آمریکایی ها از اواخر دوران حکومت محمدشاه با نقشه و برنامه‌ای که برای وابسته کردن کشور ایران داشتند به اصفهان آمدند، اما مردم اصفهان آنها را نپذیرفتند و اخراج شان کردند؛ اما آنها که برای این حضور برنامه‌ای حساب شده داشتند، کارشان را در شکلی دیگر و در قالب ساخت مدرسه در سملاس شروع کردند. آنان با نفوذی که پیدا کردند توانستند در آینده‌ای که پایه‌های آن را از همان سال ها گذاشته بودند، حکومتی را پس از رخداد های تاریخی آن دوران بر کشور مسلط کنند تا با کنار زدن دین و مذهب و پذیرش دخالت بیگانگان، مَقهور و مسحور برنامه های نفوذی آنان شده و از هویت تهی شود، و این گونه بود که با اجرای نقشه کودتا در ایران، ما چراهایی را رقم زدند که می توان «فیلم» آن را در «سریال سرزمین مادری» به تماشا نشست.



چهره

معرفی شهرهای کوچک در «ایران دوست داشتنی»

پدram کریمی، میزبان برنامه «ایران دوست داشتنی» بیان کرد: همیشه در برنامه‌هایی که در مورد ایران بود و درباره آداب و رسوم و فرهنگ ایران صحبت می‌شد، استانی به موضوع نگاه می‌کردید، ولی در این برنامه شهرهای کوچک هم



مورد توجه قرار گرفت.

وی ادامه داد: در برنامه‌های دیگر در بحث پرداختن به استان‌ها، شهرهای کوچک حق‌شان ضایع می‌شد اما الان در این برنامه به‌صورت متمرکز در مورد یک شهر صحبت کردید که این برای من جذاب و نسبت به برنامه‌های دیگر متفاوت بود. مجری برنامه ایران دوست‌داشتنی درباره تأثیر این برنامه بر صنعت گردشگری ایران گفت: صد درصد کمک می‌کند و همان حالی که برای ما به عنوان میزبان ایجاد می‌شود، برای کسانی که برنامه را می‌بینند هم ایجاد خواهد شد، چون ناشیده‌هایی را از یک شهری می‌شنوند که قطعاً برای‌شان جذابیت دارد. ما بعضی اوقات از کنار شهرها عبور می‌کنیم، اما پس از دیدن این برنامه خیلی از افراد سعی می‌کنند اگر قرار است از کنار شهری عبور کنند، یک دوری هم در شهر برزنند.

خاطرات کاغذی

مدفن کرم‌های شب تاب

مریم فلاح: یکی از غم‌انگیزترین و تاثیرگذارترین کارتون هایی که به تماشا نشستیم. این اثر زمانی تولید شد که ایسانو تاکاهااتا، خالق خاطره‌سازترین کارتون‌های کودکی‌مان از جمله هایدی، آن شرلی یا موهای قرمز و داستان پرین، تصمیم گرفت تا در دنیای شخصیت‌های کارتون‌ی روی داستانی تاریخی در بستر جنگ جهانی دوم متمرکز شود که نتیجه‌اش شد اثر شگفت‌انگیزی که در حافظه‌ها حک گردید تا یک بار دیگر، نفرت‌انگیز بودن جنگ را نشان دهد. داستان سرراست بود و ساده؛ خانه‌شان در بمباران با خاک یکسان شده، مادر را آتش جنگ از فرزندان بروده و ناوگان دریایی که پدرشان فرماندهی می‌کرد، بدون او بازگشته. حالا سیتا، پسر نوجوانی که نزدیک به ۱۵ سال دارد همراه خواهر کوچکش ستسوکو آخرین بازمانده‌های خانواده هستند که برای زندگی در دنیایی که جنگ ویران کرده تلاش می‌کنند. شاید غم‌انگیزترین لحظه داستان آنجا بود که فهمیدیم قهرمان داستان یعنی سیتای جوان، داستان را از پس پرده مرگش برای‌مان روایت می‌کرده، اما نقطه اوج داستان با لحظاتی شروع شد که خواهر و برادر با همه رنج‌ها و تجربه سختی‌ها و پلیدی‌ها، پشت کاغیزتی کنار رود خانه‌ای کرم که محبت و ساده‌دلی‌شان برپا کردند و مانند همان کرم‌های شب‌تاب که چراغ شب‌شان بود، درخشیدند. «مدفن کرم‌های شب‌تاب» با نام اصلی Grave of the Fireflies محصول سال ۱۹۸۸ ژاپن به کارگردانی ایسانو تاکاهااتا ست که در استودیو جیبلی تولید شد.



کیونرکد را اسکن کنید

رسانه

MEDIA

شنبه ۱۲ اسفند ۱۴۰۲ ۶۷۱۸ شماره

